

بررسی تطبیقی عوامل تعیین‌کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری

زنان کُردِ شاغل و غیر شاغل شهر سنندج

عباس‌عسکری ندوشن* حاتم حسینی** حامد کریمی***

چکیده

با توجه به زمینه‌های متنوع قومی-فرهنگی جامعه‌ی ایران، تغییرات جمعیتی دهه‌های اخیر و ضرورت اتخاذ سیاستی مشخص در زمینه‌ی باروری و آهنگ رشد جمعیت در آینده، آگاهی و شناخت از رفتار، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری گروه‌های قومی و تعیین‌کننده‌های آن نقش مهمی در درک پویایی جمعیت و روندهای آن خواهد داشت. هدف این مقاله آگاهی از ایده‌آل‌های باروری زنان کُردِ شاغل و غیر شاغل شهر سنندج و عوامل تعیین‌کننده‌ی آن است. داده‌ها با استفاده از پیمایشی که در تیر ماه ۱۳۹۳ روی ۵۲۵ زن شاغل و غیر شاغل انجام شد، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۷۳/۸ و ۶۹/۷ درصد از زنان شاغل و غیر شاغل به ترتیب ۲ فرزند و تنها ۱۰/۹ و ۱۵/۸ درصد از آنها ۳ فرزند را برای یک خانواده در شرایط کنونی ایده‌آل می‌دانند. تحلیل‌ها نشان داد که متغیرهای مستقل بررسی شده سهم تعیین‌کننده‌تری (۳۳/۵ درصد در مقابل ۶/۲ درصد) در تبیین ایده‌آل‌های باروری زنان غیر شاغل در مقایسه با زنان شاغل دارند. این بررسی نشان داد که تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان تأثیر معنی‌داری در ایده‌آل‌های باروری بین زنان شاغل و غیر شاغل دارد. علاوه بر این، در بین زنان غیر شاغل متغیر پای‌بندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ تأثیر مستقیم و معناداری در ایده‌آل‌های باروری داشته است. در مجموع، نتایج مؤید آن است که نوعی هم‌گرایی در نگرش‌ها و رفتارهای جمعیتی در میان زیرگروه‌های مختلف با زمینه‌های متنوع قومی فرهنگی در ایران رُخ داده است. بنابراین، سیاست‌گذاری در موضوع فرزندآوری باید معطوف به زمینه‌ها و عوامل باروری پایین در لایه‌های مختلف اجتماعی باشد.

واژگان کلیدی

ایده‌آل‌های باروری، اشتغال، باروری زیر سطح جایگزینی، زنان کُرد.

*- استادیار جمعیت‌شناسی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه یزد (aaskarin@yazd.ac.ir)

** - دانشیار جمعیت‌شناسی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا (h-hosseini@basu.ac.ir)

*** - کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی از دانشگاه یزد (h.karimi1717@yahoo.com)

۱- مقدمه و بیان مسئله

ایده‌آل‌های باروری بازتاب انگیزه‌های فردی، نگرش‌ها و باورهای افراد در خصوص شمار فرزندان ایده‌آل افراد و خانواده‌هاست. بر اساس بین ایده‌آل‌ها، ترجیحات مردم برای فرزندآوری پیش‌بینی می‌شود (Sa- sika & et al, 2011: 131). تحقیقات نشان می‌دهد باروری مشاهده شده همواره کمتر از منتهای بُعد خانوار ایده‌آل خانواده‌هاست. همین گویای این واقعیت است که آنها در تحقق ایده‌آل‌های باروری‌شان با موانعی مواجه‌اند (حسینی، ۱۳۹۰). بنابراین، ارتباط بین ایده‌آل‌های باروری و باروری واقعی باعث می‌شود سنجش ایده‌آل‌ها به یک ابزار ارزشمند برای جمعیت‌شناسانی که می‌خواهند الگوهای باروری را در کشورها و یا زیرگروه‌های جمعیتی در یک کشور مقایسه کنند تبدیل شود. با شناخت ایده‌آل‌های باروری می‌توان خصوصیات ویژه‌ی فرهنگ‌های باروری در جوامع مختلف را درک کرد (Bongaarts, 2001).

ایران در چند دهه‌ی اخیر، تحولات جمعیت‌شناختی چشمگیری به‌ویژه در زمینه‌ی وضعیت و موقعیت زنان تجربه کرده است. کاهش باروری از حدود ۷ فرزند در سال ۱۳۵۸ به حدود ۲/۱ در سال ۱۳۷۹ مؤید همین مطلب است (Abbasi – Shavazi, McDonald & Hosseini – Chavoshi, 2009). کاهش چشمگیر میزان باروری کل^۱ از نیمه‌ی دهه ۱۳۷۰ به بعد، باعث شد

1- Total Fertility Rate

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُردِ شاغل و غیرشاغل

که ایران به جرگه‌ی کشورهای بیپوند که باروری زیر حد جایگزینی^۱ دارند. بررسی‌های بیشتر حاکی است که در ایران نوعی همگرایی در رفتار، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری زنان واقع در سنین باروری در بسترهای مختلف اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده است (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۰۳-۱۶۹؛ عباسی‌شوازی و حسینی، ۱۳۸۶: ۳۶-۳).

نتایج مطالعات گویای این واقعیت است که استان کردستان بر اساس شاخص‌های توسعه و میزان توسعه‌یافتگی در سال ۱۳۹۰، بین ۳۰ استان کشور رتبه‌ی ۲۲ را کسب کرده است (شیخ بیگلو، ۱۳۹۰: ۶۴). با وجود سطح پایین توسعه در این استان، میزان باروری کل کاهش چشمگیری یافته و بر اساس برآوردهای موجود، از حدود یک دهه پیش به زیر سطح جانشینی و کمتر از ۲ فرزند برای هر زن رسیده است (Abbasi-Shavazi & Mc Donald, 2005؛ محمودیان، محمدپور و رضایی ۱۳۸۸) شهر سنندج - مرکز استان کردستان - نیز از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین، با توجه به زمینه‌های متنوع قومی - فرهنگی جامعه‌ی ایران، تغییرات جمعیتی دهه‌های اخیر و ضرورت اتخاذ سیاستی مشخص در موضوع باروری و آهنگ رشد جمعیت در آینده، آگاهی و شناخت از رفتار، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری گروه‌های قومی و تعیین‌کننده‌های آن نقش مهمی در درک پویای‌های جمعیت و روندهای آن خواهد داشت.

1- Below Replacement - level Fertility

بررسی‌ها نشان می‌دهد که رابطه‌ی اشتغال زنان و باروری منفی و معکوس است، بدان معنا که با افزایش اشتغال زنان، باروری کاهش می‌یابد (شیری و بیداریان، ۱۳۸۸: ۱۵-۱؛ نوروزی، ۱۳۷۷: ۷۸-۶۱؛ شیری، نوراللهی و رستمی، ۱۳۹۲: ۱۰۰-۸۹). از دیدگاه زنان شاغل فرزندان نه تنها به عنوان یک منبع اقتصادی قلمداد نمی‌شوند بلکه سرپرستی و نگهداری از آنها مترادف با صرف زمان و هزینه‌های اقتصادی است. چنین هزینه‌هایی را با استناد به تئوری اقتصادی می‌توان هزینه فرصت تلقی کرد. در مقابل، از آنجا که زنان غیرشاغل نه تنها برای نگهداری فرزندان مجبور به از دست دادن فرصت‌های دیگر نیستند، بلکه به مولد بودن اقتصادی فرزندان نیز معتقدند، از این رو به پذیرش برنامه‌های کنترل موالید تمایل چندانی ندارند. بنابراین، زنان خانه‌دار بیش از زنان شاغل بر ارزش‌های اقتصادی فرزندان تأکید می‌کنند (حسینی، ۱۳۹۰). در شرایطی که بازبینی در سیاست‌های جمعیتی در دستور کار برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار گرفته، اتخاذ هرگونه برنامه‌ی عمل در زمینه‌ی روندهای آتی باروری مستلزم آگاهی از ایده‌آل‌های باروری زنان در زیرگروه‌های مختلف جمعیتی و در بسترهای گوناگون اقتصادی - اجتماعی است. بر این اساس، بررسی تطبیقی عوامل تعیین‌کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان گُرد شاغل و غیرشاغل شهر سنندج در دستور کار بررسی حاضر قرار گرفت. با توجه به آنچه گفته شد، مقاله‌ی حاضر در صدد پاسخ به این پرسش‌هاست که اولاً، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل و غیرشاغل وجود دارد؟ ثانیاً، نقش مشخصه‌های اقتصادی -

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد شاغل و غیرشاغل

اجتماعی و فرهنگی در ایده‌آل‌های باروری زنان چیست و این مشخصه‌ها تا چه اندازه قادرند تفاوت‌های موجود در ایده‌آل‌های باروری زنان را تبیین کنند؟

۲- ملاحظات نظری

ایده‌آل‌های باروری زنان را می‌توان در چارچوب دو دسته از نظریه‌های انتخاب عقلانی^۱ و تبیین ساختاری و نظریه‌های مرتبط با تبیین‌های هنجاری فرهنگی تبیین کرد (حسینی، ۱۳۹۰). از میان نظریه‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری، می‌توان به نظریه‌های برابری جنسیتی، اقتصاد جدید خانوار، تئوری هزینه‌ها و منافع و نظریه‌ی تعارض نقش استناد کرد.

پایه و اساس نظریه‌ی برابری جنسیتی مک دونالد^۲، کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه‌ی قاهره در سال ۱۹۹۴ است که بر مسئله‌ی جنسیت به عنوان محور بحث جمعیت و توسعه تأکید کرد. در نتیجه این کنفرانس مشخص شد که، دستیابی سطوح بالاتر برابری جنسیتی، برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته به باروری پایین‌تر، ضروری است. مک‌دونالد در مخالفت با این بیانیه اظهار داشت که باروری خیلی پایین کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی از ناهماهنگی بین سطوح بالای برابری جنسیتی در درون نهادهای اجتماعی فرد محور و تداوم نابرابری جنسیتی در درون نهاد اجتماعی خانواده محور ناشی می‌شود. وی بر همین اساس استدلال می‌کند که برای اجتناب از باروری

1- Rational Choice Theories

2-Mcdonald

خیلی پایین سطوح بالاتر، برابری جنسیتی در درون نهادهای اجتماعی خانواده محور ضروری است (حسینی، ۱۳۹۰).

نظریه‌ی اقتصاد جدید خانوار^۱ با کار بکر در دانشگاه کلمبیا در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ شروع شد. در این نظریه تلاش می‌شود رابطه‌ی منفی بین اشتغال زنان و باروری تبیین شود. بر اساس این نظریه، والدین طبقات مرفه‌تر برای خرید کالا و شرکت در فعالیت‌های وقت‌گیر موقعیت‌های بیشتری دارند. بنابراین، برای پرورش فرزندان با معیارهای مورد نظرشان، تعداد آنها را باید محدود کنند (ویکس، ۱۳۸۵: ۲۲۵).

در طول چند دهه‌ی گذشته، جامعه‌شناسان، جمعیت‌شناسان و اقتصاددانان به رابطه‌ی علی بین باروری و اشتغال زنان توجه داشته‌اند (Cramer, 1980: 167-190; Felmler, 1993: 333-359; Smith – Lovin & Tickamyer, 1978: 554-557). با وجود این، برخی از تحقیقات نشان می‌دهند که برخلاف نظریه‌های سنتی، رابطه‌ی اشتغال زنان و رفتار باروری به ویژه در شرایط باروری پایین منفی نیست و در بسیاری از کشورهای اروپایی همبستگی منفی بین میزان باروری و میزان مشارکت زنان در بازار کار قبل از دهه‌ی ۱۹۸۰ به یک همبستگی مثبت در بعد از آن تغییر کرده است (Rindfuss et al., 2003: 411-438; Brewster & Rindfuss, 2000: 271-296).

نظریه‌ی تعارض نقش نیز به وضوح تبیین می‌کند که حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی نظیر کار و خانواده چگونه تقاضاهای نقشی متعددی از هر

1 - New Household Economic Theories

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُردِ شاغل و غیرشاغل

فرد را مطرح می‌کنند و این جریان می‌تواند در نهایت در زندگی انسان تعارض ایجاد کند (Michel et al., 2009: 200). از این رو، هرگاه فرد موقعیتی را اشغال کند، نه با یک انتظار واحد، بلکه هم‌زمان با انتظارات متعدد روبه‌روست و اغلب برای افراد دشوار است که بتوانند هم‌زمان، جواب‌گوی الزامات متعدّد باشند (روش بلاو و اسپنله، ۱۳۷۲: ۳۳۸). پلک^۱ در نظریه‌ی تأثیرپذیری نامتقارن نقش‌های کاری و خانوادگی مطرح می‌کند که محدوده‌های کار و خانواده به صورت نامتقارنی تأثیرپذیر هستند و محیط‌های کاری، بیشتر در محیط‌های خانوادگی تأثیر می‌گذارند. در نتیجه خواسته‌ها و مسئولیت‌های مربوط به کار در مقایسه با خواسته‌ها و مسئولیت‌های مربوط به خانواده به صورت نابرابری بر هم اثر می‌گذارند (رستگارخالد، ۱۳۸۳).

لیبنشتاین^۲ بر اساس نظریه‌ی هزینه‌ها و منافع فرزندان استدلال می‌کند که تصمیم‌گیری والدین در مورد شمار فرزندان ایده‌آل از ارزیابی آنها از هزینه‌ها و منافع فرزندان تأثیر می‌پذیرد. در واقع، نظریه‌های انتخاب عقلانی بر اهمیت نسبی عوامل مختلفی چون توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی، درآمد، سواد و تحصیلات، موقعیت اجتماعی و به‌طور کلی مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی در تأثیر گذاری بر چنین تصمیم‌گیری‌های فردی تأکید می‌کنند. با این حال، شواهد تجربی گویای آن است که نمی‌توان رفتار باروری را با استفاده از رویکردهای مبتنی بر مدل‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری

1- Pelk

2- Leibenstein

تبیین کرد: Cleland & Wilson, 1987: 5-30; Bongaarts & Watkins, 1996: 639-682; Mcquillan, 2004: 25-56). در نتیجه، جست‌وجو برای تبیین‌های جایگزین آغاز شد و برای پُر کردن این خلأ، تبیین‌های هنجاری - فرهنگی باروری ارائه شد. تبیین‌های هنجاری - فرهنگی شامل فرضیه‌ی تأثیر قومی - فرهنگی، فرضیه‌ی هنجارهای خرده فرهنگی و نظریه‌ی اشاعه است.

برخلاف نظریه‌های انتخاب عقلانی - که بیشتر بر اهمیت تغییرات ساختاری تأکید می‌کند - در رویکرد اشاعه استدلال می‌شود که وقتی افراد اهمیت خانواده‌های کوچک را درک کنند، استفاده از وسایل پیش‌گیری از حاملگی را بپذیرند و باور کنند اختیار زندگی‌شان تا اندازه‌ای دست خودشان است، رفتارهای باروری‌شان مطابق شرایط مختلف اقتصادی - اجتماعی تغییر می‌کند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۳۵).

در رویکرد تأثیر قومی - فرهنگی، رفتارهای باروری گروه‌های قومی، در قالب ارزش‌ها و هنجارهای خرده فرهنگی تبیین می‌شود و هر گروه قومی به خاطر ارزش‌های فرهنگی خاص خود، رفتارهای باروری متفاوتی را تجربه می‌کند. در فرهنگ بعضی گروه‌های قومی ممکن است خانواده‌های بزرگ و پُر اولاد ارزش والایی داشته باشند، روش‌های معینی از کنترل موالید در میان آنها ممنوع شده باشد، گرایش زیادی به ترجیح فرزند پسر بر دختر وجود داشته باشد، زنان در تصمیم‌گیری‌های باروری استقلال کمتری داشته باشند و یا در رفتارهای باروری‌شان به شدت تقدیرگرا باشند (همان). بر اساس این رویکرد، این گونه زمینه‌های قومی و فرهنگی می‌تواند تفاوت در رفتارها و نگرش‌های باروری را تبیین کند.

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُردِ شاغل و غیرشاغل

۳- زمینه‌های تجربی

مطالعه‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان نه تنها در کشورهای توسعه یافته توجّه زیادی را به خود جلب کرده است، بلکه در بعضی از کشورهای در حال توسعه نیز که باروری آنها به زیر سطح جایگزینی رسیده است، این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد. حسینی و بگی نشان دادند که ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری زنان کُرد شهر مهاباد به ترتیب از شاخص‌های سه گانه‌ی استقلال تأثیر می‌پذیرد (حسینی و بگی، ۱۳۹۱: ۷۸-۵۷). یافته‌های مطالعه‌ی عباسی شوازی و علی‌ماندگاری (۱۳۸۹: ۵۱-۳۱) نیز همین نتیجه را تأیید می‌کند. یافته‌های لاک لند سام، پلتزر و مایر برای زنان آفریقای جنوبی در تأیید نظریه‌ی لیبنشتاین می‌باشد (Lackland Sam, Pltzer & Mayer, 2005: 355-377). از این رو، منفعت و هزینه‌ی فرزندان عواملی هستند که در تصمیم‌گیری والدین در مورد ایده‌آل‌های باروری شان و در نهایت شمار فرزندان تأثیر می‌گذارند. باسک‌هیری نشان داد که در خانواده‌های مصری تمایلی قوی برای داشتن دو فرزند و دست‌کم یک پسر وجود دارد (Baschieri, 2007: 353-376). شهبازین و همکاران (۱۳۹۳: ۱۴۲-۱۳۳) نیز به همین نتیجه دست یافتند. ترجیح پسر بر دختر می‌تواند خود منشأ بالا رفتن ایده‌آل‌های باروری زنان و در نهایت باروری باشد.

۴- روش و داده‌های تحقیق

این تحقیق حاصل پیمایشی است که در تیر ماه ۱۳۹۳ در شهر سنندج انجام شد. اطلاعات از طریق پرسش‌نامه‌ی ساخت‌یافته گردآوری شد.

جمعیت آماری و واحد تحلیل شامل کلیه‌ی زنان گُرد شاغل و غیرشاغل ۱۵ تا ۴۹ ساله‌ی همسر دار ساکن در شهر سنندج است که در داخل خانواده‌ها و سازمان‌های دولتی شناسایی و مصاحبه شدند.^۱ حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۵۲۵ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری، ترکیبی از روش‌های خوشه‌ای چند مرحله‌ای، تصادفی و تصادفی سیستماتیک بود. ابتدا، شهر به سه خوشه بر حسب موقعیت اقتصادی - اجتماعی مناطق شهر (بالا، متوسط و پایین) تفکیک شد. برای انتخاب بلوک‌ها در هر یک از خوشه‌ها، ابتدا بلوک‌هایی که تعداد خانواده‌های آن کمتر از ۸ خانواده بود، حذف شد. سپس، با توجه به اینکه در هر بلوک تنها ۸ خانواده بررسی می‌شد، از میان بلوک‌های باقی مانده در هر خوشه، بلوک‌هایی به طور تصادفی و متناسب با حجم هر خوشه انتخاب شد. در ارتباط با زنان شاغل نیز شهر به سه منطقه (شهرداری منطقه‌ی ۱ تا ۳) تقسیم شد و ادارات دولتی از این ۳ منطقه انتخاب شدند. سپس متناسب با حجم و تعداد زنان شاغل در اداره، پرسش‌نامه‌ی تحقیق بین آنها توزیع و داده‌ها گردآوری شد.

در این پیمایش پرسش‌نامه‌ی تحقیق شامل سه بخش بود؛ بخش اول، دربرگیرنده‌ی مشخصات پاسخ‌گویان بود. بخش دوم، ایده‌آل‌های باروری زنان و بخش سوم، نگرش زنان نسبت به عوامل فرهنگی را می‌سنجید.

۱- وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت نیرو، وزارت کشور، سازمان اوقاف و امور خیریه، وزارت امور اقتصاد و دارایی و وزارت جهاد کشاورزی اداراتی بودند که برای تکمیل پرسشنامه آنها مراجعه شد.

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُردِ شاغل و غیرشاغل

بخشی از سؤالات پرسش‌نامه با اقتباس از مطالعات قبلی در موضوع باروری در ایران، در تحقیق گنجانده شد.

متغیرهای تحقیق شامل دو دسته متغیرهای مستقل و وابسته است. متغیر وابسته ایده‌آل‌های باروری زنان است که در سطح سنجش فاصله‌ای و از طریق پرسش درباره‌ی اینکه «به نظر شما در شرایط کنونی برای هر خانواده داشتن چه تعداد فرزند مناسب است؟» اندازه‌گیری شده است. متغیرهای مستقل نیز به دو دسته مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و مشخصه‌های فرهنگی تقسیم شدند. مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی شامل پایگاه اقتصادی اجتماعی و تعارض شغلی - فرزندآوری می‌باشد. مشخصه‌های فرهنگی شامل سرمایه‌ی فرهنگی، گرایش به ترجیح جنسی، نابرابری جنسیتی، استقلال زنان در خانواده، نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان، پای‌بندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ، تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت است. پایایی شاخص‌هایی نظیر تقدیرگرایی در رفتار باروری، نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان، گرایش به ترجیح جنسی، پایبندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ و استقلال زنان در خانواده پیش‌تر در پیمایش باروری در شهرستان ارومیه از طریق آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شده است (حسینی، ۱۳۸۷) و در تحقیق حاضر نیز از همان شاخص‌ها و گویه‌ها استفاده شد.

۵- یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا ویژگی‌های نمونه تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد و توزیع پاسخگویان برحسب مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی

برحسب وضعیت اشتغال آنان ارائه می‌گردد. همچنین توزیع شمار فرزندان ایده‌آل در بین زنان شاغل و غیرشاغل در نمونه تحقیق بررسی می‌گردد. سپس با استفاده از تحلیل‌های دومتغیره و چندمتغیره، تفاوت در ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل و غیرشاغل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در نهایت روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق مشخص می‌گردد.

۵-۱- مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی نمونه‌ی تحقیق

مطابق این بررسی، میانگین سن زنان شاغل به هنگام بررسی و نیز به هنگام ازدواج بیشتر از زنان غیر شاغل بوده است. میانگین سن ازدواج و نیز سن به هنگام بررسی زنان شاغل به ترتیب ۲۳/۵ و ۳۶/۵ سال بوده است. میانگین‌های متناظر برای زنان غیر شاغل به ترتیب ۲۱/۲ و ۳۲/۵ سال بوده است. تحلیل گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج در زنان را نشان می‌دهد، به طوری که برای زنان شاغل و غیرشاغل به ترتیب از ۱۹/۷ و ۱۷/۱۶ سال در کوهورت ازدواجی دهه‌ی ۱۳۶۰ به ۲۵/۲۷ و ۲۲/۶۲ سال در کوهورت ازدواج دهه‌ی ۱۳۸۰ افزایش یافته است.

یافته‌ها از عمومیت نسبتاً بالای سواد و تحصیلات در میان پاسخ‌گویان حکایت دارد. تنها ۱۸/۵ درصد از زنان غیرشاغل بی‌سواد بوده‌اند. تحلیل‌های بیشتر نشان می‌دهد که وضعیت سواد و سطح تحصیلات زنان در طول زمان بسیار بهبود یافته است، به طوری که زنان غیرشاغل با تحصیلات عالی از ۳/۴ درصد در گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج دهه‌ی ۱۳۷۰ به ۱۲ درصد در گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج دهه‌ی ۱۳۸۰ رسیده است. توزیع زنان بر حسب

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُردِ شاغل و غیرشاغل

میانگین درآمد ماهیانه‌ی خانواده نشان داد که شاغلین (۲۰۳۳۰۰۰ تومان)، نسبت به غیرشاغلین (۱۱۰۰۰۰۰ تومان) درآمد بالاتری دارند. همچنین، شاغلین (۲۲/۶۷ درصد) تعارض شغلی - فرزندآوری پایینی دارند.

۲-۵- مشخصه‌های فرهنگی

بررسی مشخصه‌های فرهنگی زنان نشان داد که میانگین نمرات شاخص‌های گرایش به ترجیح جنسی، نگرش نسبت به هزینه‌های فرزندان، پایبندی به ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ، تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت برای شاغلین کمتر از غیرشاغلین است (جدول ۱).

جدول (۱) میانگین نمرات مشخصه‌های فرهنگی پاسخ‌گویان بر حسب وضعیت اشتغال

میانگین نمرات شاخص‌ها		متغیر
غیر شاغل	شاغل	
۱۷/۰۱	۱۶/۳۲	گرایش به ترجیح جنسی
۳۳/۰۷	۳۲/۶۵	نگرش نسبت به هزینه‌های فرزندان
۱۵/۹۵	۱۵/۳۰	پایبندی به ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ
۱۵/۱۹	۱۴/۴۲	تقدیرگرایی در رفتار باروری
۴/۶۰	۴/۴۲	نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت
۲۶/۴	۲۹/۰۸	استقلال زنان در خانواده
۱۱/۷۷	۱۵/۵۳	سرمایه‌ی فرهنگی
۱۰/۳۹	۱۲/۰۵	ناابرابری جنسیتی

مطابق این بررسی، زنان شاغل در مقایسه با زنان غیر شاغل سرمایه‌ی فرهنگی و استقلال بیشتری در خانواده دارند. علاوه بر این، زنان غیر شاغل از نابرابری جنسیتی بیشتری در نهاد خانواده رنج می‌برند. میانگین نمرات این شاخص برای شاغلین ۱۲/۰۵ درصد و برای غیر شاغلین ۱۰/۳۹ درصد است.

۵-۳- ایده‌آل‌های باروری

اطلاعات مندرج در جدول شماره‌ی ۲ توزیع جمعیت نمونه را بر حسب ایده‌آل‌های باروری به تفکیک بین زنان شاغل و غیر شاغل منعکس می‌کند. همان گونه که اطلاعات جدول نشان می‌دهد، میانگین شمار فرزندان ایده‌آل زنان شاغل و غیر شاغل توزیع همانندی دارند و دامنه‌ی تفاوت‌ها بر حسب وضعیت اشتغال چندان گسترده نیست.

جدول (۲) تعداد فرزندان ایده‌آل زنان بر حسب وضعیت اشتغال، شهر سنندج ۱۳۹۳

غیر شاغل		شاغل		شمار فرزندان ایده‌آل در زمان تحقیق
فراوانی		فراوانی		
نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	
۰/۷	۲	۰/۹	۲	بدون فرزند ایده‌آل
۴/۷	۱۴	۶/۸	۱۵	۱
۶۹/۷	۲۰۷	۷۳/۸	۱۶۳	۲
۱۵/۸	۴۷	۱۰/۹	۲۴	۳
۹/۱	۲۵	۷/۹	۱۷	۴ و بیش‌تر
۱۰۰/۰	۲۹۷	۱۰۰/۰	۲۲۱	جمع

۴-۵- تحلیل دو متغیره وضعیت اشتغال و ایده‌آل‌های باروری

جدول شماره‌ی ۳ میانگین شمار فرزندان ایده‌آل زنان را در هنگام بررسی نشان می‌دهد. نتایج آزمون تفاوت میانگین‌ها گویای آن است که اختلاف معنی‌داری بین ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل (۲/۱۹ فرزند) و غیرشاغل (۲/۲۹) شهر سنندج وجود ندارد. در واقع، این یافته تأییدکننده‌ی اطلاعات توصیفی ارائه شده در جدول شماره‌ی ۲ است که نشان می‌داد شمار فرزندان در بین زنان شاغل و غیرشاغل توزیع تقریباً همانندی دارند. بنابراین، علی‌رغم تفاوت‌های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی بین زنان شهر سنندج، شمار فرزندان ایده‌آل زنان در زمان تحقیق مشابه هم بوده است. این همگرایی در ایده‌آل‌های باروری زنان بدین معنی است که اندیشه‌ها و آمال‌های خانواده‌ها در مورد فرزندآوری تغییر یافته است و تعداد فرزندان منتهای آرزوی آنها کاهش یافته است. این نتایج همسو با بررسی‌های عباسی‌شوازی و همکاران (۱۳۸۱)، عباسی‌شوازی، حسینی‌چاووشی و مک‌دونالد (۱۳۸۳) و عباسی‌شوازی و حسینی (۱۳۸۶) است که نشان دادند در ایران نوعی همگرایی در رفتار، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری در میان زنان واقع در سنین تولید مثل در بسترهای مختلف اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده است.

جدول (۳) نتایج آزمون T بین وضعیت اشتغال و ایده‌آل‌های باروری

متغیر وابسته	وضعیت اشتغال	تعداد مشاهدات	میانگین	درجه‌ی آزادی	مقدار T	سطح معنی داری
ایده‌آل باروری زنان	شاغل	۲۲۱	۲/۱۹	۵۱۶	-۱/۵۳۳	۰/۱۲۶
	غیر شاغل	۲۹۷	۲/۲۹			

۵-۵- تحلیل همبستگی متغیرهای مورد مطالعه و ایده‌آل‌های باروری زنان
جدول شماره ۴ نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل تحقیق با ایده‌آل‌های باروری را به تفکیک برای زنان شاغل و غیر شاغل نشان می‌دهد. مطابق اطلاعات جدول مذکور، بین گرایش به ترجیح جنسی و ایده‌آل‌های باروری در هر دو زیرنمونه‌ی زنان شاغل و غیر شاغل رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد، به گونه‌ای که پاسخگویانی که ترجیح جنسی بیشتری دارند، ایده‌آل‌های باروری بالاتری دارند. معمولاً مهم‌ترین دلیل گرایش به ترجیح جنسی، تنوع نقش‌ها و مشاغل اجتماعی اختصاص یافته به جنس پسر است. در حوزه‌ی مسائل خانوادگی نیز نقش پسران در سرپرستی والدین در دوره‌های کهولت سن، حفظ نام و القاب خانوادگی و مواردی از این دست، جزء مهم‌ترین دلایل برتری نسبی پسران بر دختران است. این نتایج با بررسی‌های باسک‌هیری (۲۰۰۷) و شهبازین و همکاران (۱۳۹۳) همسوست. بر پایه‌ی این بررسی، همبستگی معنی‌داری بین شاخص استقلال زنان در خانواده و ایده‌آل‌های باروری مشاهده نشد. مطالعات تجربی پیشین در ایران، حاکی از شواهد ناهماهنگی در ارتباط پایگاه زنان و متغیرهای باروری است.

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُردِ شاغل و غیرشاغل

عباسی شوازی و علی ماندگاری (۱۳۸۹) در مطالعه خود نشان دادند که پایگاه زنان در ایران با رفتارهای باروری رابطه‌ی معکوس دارد و افزایش استقلال زنان به باروری پایین و افزایش میزان استفاده از روش‌های پیشگیری از باروری منجر می‌شود. از سوی دیگر، حسینی و بگی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای روی زنان کُرد شهر مهاباد دریافتند که رابطه‌ی معناداری بین ایده‌آل‌های باروری و شاخص‌های مستقیم استقلال زنان وجود ندارد، حال آنکه متغیرهای تمایلات باروری و رفتارهای باروری ارتباط آماری معناداری را با استقلال زنان نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های این محققین، ایده‌آل‌های فرزندآوری زنان بیش از آنکه تحت تأثیر شاخص‌های مستقیم استقلال زنان قرار گیرد، از شاخص‌های غیرمستقیم استقلال زنان مثل تحصیلات و اشتغال تأثیر می‌پذیرد.

بررسی نتایج مربوط به آزمون رابطه‌ی نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان و ایده‌آل‌های باروری زنان نشان می‌دهد که رابطه‌ی منفی و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد، به گونه‌ای که هر چه ارزیابی زنان از هزینه‌های فرزندان بیشتر باشد، باروری ایده‌آل آنها کمتر است. مقایسه‌ی ضرایب همبستگی به دست آمده به تفکیک وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که همبستگی دو متغیر نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان و تعداد فرزندان ایده‌آل بین زنان غیرشاغل به مراتب قوی‌تر از ضرایب برآورد شده برای زنان شاغل است. تفاوت در شدت همبستگی اشاره شده، تا حدی می‌تواند منعکس کننده‌ی تفاوت وضعیت اقتصادی خانواده‌های زنان شاغل و غیرشاغل در شرایط جامعه‌ی امروز باشد. به گونه‌ای که در قشر زنان غیرشاغل، احتمالاً ملاحظات

اقتصادی جلوه‌ای پر رنگ‌تر دارد. به تعبیر روشن‌تر، نه تنها تغییر هنجارهای اجتماعی - فرهنگی حاکم بر جامعه به سمت باروری پایین و به ویژه نُرْم دو فرزندی در ایده‌آل‌های فرزندآوری زنان غیرشاغل تأثیرگذار بوده است، بلکه حتی فشار هزینه‌های اقتصادی داشتن فرزندان بیشتر بر دوش خانواده‌ی آنها شاید حتی سنگین‌تر از خانواده‌هایی باشد که عموماً به واسطه‌ی اشتغال زنان دو منبع درآمد دارند. در تحقیق حاضر نیز تفاوت میانگین درآمد ماهیانه‌ی اظهار شده‌ی خانوار برای زنان شاغل و غیرشاغل چنین فرضیه‌ای را در ذهن تقویت می‌کند. همان‌گونه که اشاره شد، متوسط درآمد ماهیانه‌ی خانوار برای زنان شاغل حدود دو میلیون تومان و برای خانوارهای زنان غیرشاغل حدود یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان بود. براساس شواهد به دست آمده، ارزیابی هزینه‌های فرزند نزد زنان غیرشاغل در شهر سنندج در ایده‌آل‌های فرزندآوری آنها تأثیر معکوس و قدرتمند به جا می‌گذارد. نکته‌ای که توجه به آن در هرگونه سیاست‌گذاری در موضوع باروری اهمیت دارد.

همان‌گونه که اطلاعات جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، رابطه‌ی بین نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت برای افزایش مولید و ایده‌آل‌های باروری زنان برای زنان غیر شاغل تأیید شد ولی برای شاغلین تأیید نشد. با توجه به این نتایج، انتظار نمی‌رود سیاست‌های جمعیتی در راستای تشویق مولید منجر به افزایش باروری در همه‌ی لایه‌های اجتماعی شود. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جمعیتی باید به این امر توجه کنند؛ چرا که نمی‌توان نسخه‌ی واحدی از برنامه‌ریزی‌ها را برای همه‌ی زنان تجویز کرد.

جدول (۴) نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل تحقیق و ایده‌آل‌های باروری

مقدار ضریب پیرسون		مقدار ضریب پیرسون		متغیرهای مستقل
غیرشاغل	سطح معنی‌داری	شاغل	سطح معنی‌داری	
۰/۳۲۴	۰/۰۰۰	۰/۰۲۰	۰/۱۳۹	گرایش به ترجیح جنسی
۰/۰۲۱	۰/۳۶۱	۰/۲۴۱	-۰/۰۴۸	استقلال زنان در خانواده
-۰/۴۹۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	-۰/۱۷۰	نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان
۰/۱۲۹	۰/۰۱۳	۰/۲۴۵	۰/۰۴۷	نگرش به بسته‌های تشویقی دولت
-۰/۲۸۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹	-۰/۱۱۹	پایگاه اقتصادی اجتماعی
-۰/۱۲۵	۰/۰۱۶	۰/۳۹۸	۰/۰۱۷	سرمایه‌ی فرهنگی
۰/۵۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۵۱	تقدیرگرایی در رفتار باروری
۰/۴۷۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۹۸	پابندی به ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ
-۰/۱۳۰	۰/۰۱۳	۰/۰۷۶	-۰/۰۹۷	نابرابری جنسیتی
۰/۲۳۵	۰/۰۰۰	۰/۳۳۵	۰/۰۲۹	تعارض شغلی - فرزندآوری

همچنین یافته‌های ارائه شده در جدول شماره‌ی ۴ نشان می‌دهد، هم در بین شاغلین و هم در بین غیرشاغلین متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی ارتباط آماری معنادار و معکوسی با تعداد فرزندان مطلوب دارد. ادبیات نظری و تجربی موجود نیز همسو با یافته‌های تحقیق حاضر بر رابطه‌ی معکوس پایگاه اقتصادی-اجتماعی و متغیرهای باروری تأکید دارد. از این رو، جهت

رابطه‌ی مشاهده شده، با زمینه‌های نظری و تجربی مورد انتظار تحقیق منطبق است و پاسخ‌گویانی که پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالاتری داشتند، تعداد فرزند ایده‌آل کمتری را اظهار کرده بودند. برعکس هر چه پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد پایین‌تر باشد، به باروری ایده‌آل بالاتری گرایش داشتند. مقایسه‌ی شدت همبستگی‌های برآورد شده به تفکیک شاغلین و غیرشاغلین نشان می‌دهد که این همبستگی در زنان غیرشاغل (با ضریب $-0/280$) قوی‌تر از زنان شاغل (با ضریب $-0/119$) است.

عامل دیگری که همبستگی آن با تعداد فرزندان ایده‌آل در این تحقیق بررسی شده است، متغیر سرمایه‌ی فرهنگی است. بر اساس دیدگاه بوردیو^۱ (۱۹۸۶) سرمایه‌ی فرهنگی دربردارنده‌ی سه مؤلفه است؛ بعد ذهنی یا گرایش‌ها و تمایلات به استفاده از کالاهای فرهنگی، بعد عینی یا میزان مصرف کالاهای فرهنگی و بعد نهادی که شامل مدارج و مدارک تحصیلی است (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۴). در مطالعه‌ی حاضر، مؤلفه‌های سرمایه‌ی فرهنگی بر اساس ترکیبی از سؤالاتی که اولاً، میزان استفاده از اقلامی مانند رادیو، تلویزیون، مطبوعات، فیلم، تئاتر، موسیقی، کتاب، نشریات، اینترنت و ... را می‌سنجید، ثانیاً عضویت و مشارکت در فعالیت‌هایی مانند انجمن‌ها و مؤسسات خیریه، کانون‌های فرهنگی، بازدید از موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و آثار فرهنگی و تاریخی و ... را ارزیابی می‌کرد و در نهایت مدارج تحصیلی پاسخ‌گویان شاخص‌سازی شده است.

1 - Bourdieu

اطلاعات موجود در جدول شماره ۴، همبستگی مقیاس سرمایه‌ی فرهنگی را با تعداد فرزندان مطلوب به تفکیک برای زنان شاغل و غیرشاغل نشان می‌دهد. مطابق یافته‌های تحقیق، رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل تأیید نشد اما برای زنان غیرشاغل رابطه‌ی معکوس و معناداری مشاهده شد، یعنی با افزایش سرمایه‌ی فرهنگی بین آنها ایده‌آل‌های باروری آنها نیز پایین می‌آید. این یافته در حالی است که نتایج قبلی ارائه شده در جدول شماره ۱ گویای آن بود که در شاخص سرمایه‌ی فرهنگی زنان شاغل نسبت به غیرشاغلین، میانگین بالاتری داشتند (۱۵/۵۳ در مقابل ۱۱/۷۷). بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد که با وجود این تفاوت در میانگین‌ها، توزیع و پراکندگی نمرات شاخص سرمایه‌ی فرهنگی بین زنان شاغل واریانس کمتری دارند و وضعیت نسبتاً همگن‌تری از نظر بهره‌مندی از سرمایه‌ی فرهنگی دارند. علاوه بر این، توزیع نمرات در میان شاغلین به گونه‌ای است که الگوی روشنی از ارتباط را نمی‌توان بین شاخص سرمایه‌ی فرهنگی و ایده‌آل‌های باروری آنها تشخیص داد. با توجه به سنجه‌های استفاده شده برای عملیاتی کردن شاخص سرمایه‌ی فرهنگی، هم بالاتر بودن میانگین نمرات این شاخص برای شاغلین و هم پراکندگی نسبتاً کمتر نمرات آنها در مقایسه با زنان غیرشاغل مورد انتظار است. دلیل آن است که زنان شاغل این تحقیق را کارمندان ادارات دولتی شهر سنندج تشکیل می‌دهند و این قشر به واسطه‌ی الزامات ساختار شغلی و اداری، از نظر ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی و مؤلفه‌های عینی، ذهنی و نهادی آن همگنی بالایی دارند، اما سطح

سرمایه‌ی فرهنگی در میان زنان غیرشاغل، وضعیت به مراتب متنوع‌تر و واریانس بیشتری دارد. این دامنه‌ی تغییرپذیری گسترده از نظر سرمایه‌ی فرهنگی در میان زنان غیرشاغل شهر سنندج به طور نسبی با ایده‌آل‌های باروری آنها در ارتباط است، به گونه‌ای که افزایش سطح سرمایه‌ی فرهنگی نزد آنها، به کاهش تعداد فرزندان ایده‌آلشان منجر می‌شود.

بر پایه‌ی این بررسی، بین تقدیرگرایی در رفتار باروری و ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل و غیرشاغل رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد. در واقع، تقدیرگرایی یکی از عوامل فرهنگی است که می‌تواند در ایده‌آل‌های باروری زنان اثرگذار باشد؛ چرا که برخی از افراد معتقدند خداوند برکت را به خانه‌ای می‌فرستد که تعداد فرزندان آن زیاد است، هر آن کس که دندان دهد، نان دهد، تولد فرزند به اراده و مشیت خداوند بستگی دارد. آن گونه که نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد، شیوع این باورها با افزایش ایده‌آل‌های باروری زنان مرتبط است. همچنین، شدت همبستگی برآورد شده برای زنان غیرشاغل، به مراتب قوی‌تر از زنان شاغل است.

نتایج جدول شماره‌ی ۴ همچنین نشان می‌دهد که بین پای‌بندی به ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ و ایده‌آل‌های باروری زنان نیز رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد. به نظر می‌رسد علی‌رغم ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی متفاوت، پای‌بندی زنان به ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ به عنوان یک مشخصه‌ی فرهنگی تأثیرگذار است؛ چرا که برخی از زنان معتقدند فرزندان به برادر و خواهر احتیاج دارند، زن و شوهرهایی که پس از

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد شاغل و غیرشاغل

ازدواج بچه‌دار نمی‌شوند، اجاقشان کور است. شیوع باورهایی از این نوع می‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای در ایده‌آل‌های فرزندآوری زنان باشد. ارتباط این مشخصه‌ی فرهنگی با باروری ایده‌آل نیز همانند بیشتر مشخصه‌های فرهنگی مطالعه شده در این پژوهش، بین زنان غیرشاغل قوی‌تر از زنان شاغل است. یافته‌های ارائه شده در جدول شماره ۴ همچنین نشان می‌دهد که با افزایش نابرابری جنسیتی در نهاد خانواده، ایده‌آل‌های باروری زنان کاهش می‌یابد. این نتایج با نظریه‌ی مک دونالد همسوست؛ وی معتقد است اگر برابری جنسیتی به سطح بالای خود برسد، نگرش و رفتار افراد در جهت موافق با افزایش باروری تغییر می‌یابد. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه شهر سندج یک جامعه‌ی در حال گذار است، وجود این نابرابری جنسیتی عامل تعیین‌کننده‌ای در ایده‌آل باروری نسبتاً پایین زنان بوده است.

در این تحقیق انتظار بر این بوده است که نگرش زنان در زمینه‌ی سطح تعارض بین وظایف شغلی با نقش‌های فرزندآوری در ایده‌آل‌های باروری آنها تأثیرگذار باشد. انتظار می‌رود، چنانچه زنان شاغل به امکان چنین تعارضی باور و اعتقاد داشته باشند، بالطبع باروری ایده‌آل پایین‌تری داشته باشند. با توجه به یافته‌های تحقیق، در مورد زنان شاغل، رابطه‌ی این دو متغیر تأیید نشده است؛ در مقابل رابطه‌ی معناداری از دیدگاه زنان غیرشاغل مشاهده شد. در این تحقیق، تعارض شغل- فرزندآوری بیشتر به عنوان یک سازه‌ی نگرشی اندازه‌گیری و دیدگاه زنان شاغل و غیرشاغل نسبت به آن ارزیابی شده است. گویه‌های عملیاتی کننده‌ی این شاخص،

نگرش پاسخ‌گویان شاغل و غیرشاغل را با تعارضاتی از این قبیل می‌سنجد که شاغل بودن زنان پیامدهایی از این قبیل را در پی دارد: زمانی که آنها باید صرف خانواده کنند، کاهش می‌یابد؛ دقت و تمرکز بر روی کارشان کم می‌شود؛ مشکلات خانوادگی‌شان افزایش می‌یابد؛ موفقیت‌های‌شان کمتر می‌شود و تنش‌ها و اضطراب‌های مربوط به فرزندان و خانواده در بازدهی شغلی‌شان اثر می‌گذارد. در هر صورت، ارزیابی زنان غیرشاغل از نگرش به تعارضات نقش شغلی - فرزندآوری رابطه‌ی مستقیم و معناداری را با ایده‌آل‌های باروری آنها نشان می‌دهد. یعنی در میان پاسخ‌گویان غیرشاغل، کسانی که تعارض بیشتری را میان وظایف شغلی با نقش فرزندآوری برای زنان احساس می‌کردند، ایده‌آل‌های باروری بالاتری داشتند و برعکس هر چه زنان غیرشاغل تعارض کمتری را بین وظایف شغلی با فرزندآوری احساس می‌کردند، باروری ایده‌آل پایین‌تری را گزارش کرده بودند.

۵-۶- تحلیل چندمتغیره

جدول شماره‌ی ۵ نتایج رگرسیون چندمتغیره مربوط به ارزیابی روابط متغیره‌های مستقل و وابسته‌ی تحقیق را به تفکیک برای زنان شاغل و غیرشاغل ارائه می‌کند. ملاحظه‌ی ضرایب رگرسیونی برآورد شده برای زنان شاغل، نشان می‌دهد که از بین تمامی متغیره‌های بررسی شده در جدول، دو متغیر نگرش به هزینه‌های فرزند و تقدیرگرایی در رفتار باروری رابطه‌ی آماری معناداری با متغیر تابع یعنی تعداد فرزندان ایده‌آل دارند. این تأثیرگذاری برای متغیر نگرش به هزینه‌های فرزندآوری معکوس و در مقابل برای متغیر تقدیرگرایی مستقیم است.

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد شاغل و غیرشاغل

به عبارتی هر چه هزینه‌های داشتن فرزند سنگین‌تر ارزیابی شود، باروری ایده‌آل کمتر است و هر چه تقدیرگرایی در رفتارهای باروری افزایش یابد، باروری ایده‌آل افزایش می‌یابد. در گروه زنان شاغل، سایر متغیرهای مستقلی که قبلاً رابطه‌ی آماری معناداری را در تحلیل دومتغیری نشان داده بودند (شامل گرایش به ترجیح جنسی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، و پای‌بندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ)، پس از کنترل هم‌زمان و چندمتغیره، معناداری خود را از دست می‌دهند. ملاحظه‌ی ضرایب بتای برآورد شده برای زنان غیرشاغل نشان می‌دهد که در این معادله‌ی رگرسیونی نیز متغیرهای نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزند و تقدیرگرایی در رفتار باروری، مشابه نتایج به دست آمده برای زنان شاغل تأثیری معنادار دارد و برای ارتباط نیز با آن نتایج همسوست، اما علاوه بر دو متغیر مذکور، بین زنان غیرشاغل، متغیر پای‌بندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ نیز تأثیری مستقیم و معناداری را در تحلیل چندمتغیره برای این گروه از زنان نشان می‌دهد. به تعبیر روشن‌تر، افزایش پای‌بندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ، می‌تواند به افزایش باروری ایده‌آل منجر شود. نکته‌ی دیگری که از جدول شماره‌ی ۵ به دست می‌آید، این است که ضرایب استاندارد مربوط به متغیرهای معنادار موجود در معادله برای زنان غیرشاغل بزرگ‌تر از ضرایب برآورد شده برای زنان شاغل است. این یافته، با نتایج مربوط به تحلیل دومتغیری هماهنگ است و گویای آن است که متغیرهای معنادار موجود در مدل، تأثیر بیشتری در باروری ایده‌آل زنان غیرشاغل در مقایسه با زنان شاغل دارد.

جدول (۵) رگرسیون چند متغیره‌ی تأثیر متغیرهای مستقل بر ایده‌آل‌های باروری

غیر شاغل		شاغل		ویژگی
معنی داری سطح	بتا	سطح معنی داری	بتا	متغیرهای مستقل
۰/۳۸۹	۰/۰۴۹	۰/۴۱۴	۰/۰۶۱	ترجیح جنسی
۰/۰۰۰	-۰/۲۴۸	۰/۰۴۰	-۰/۱۴۰	هزینه‌ی فرزندان
۰/۴۴۹	-۰/۰۳۹	۰/۹۶۰	۰/۰۰۳	نگرش به بسته‌های تشویقی دولت
۰/۱۱۴	-۰/۰۸۹	۰/۲۰۱	-۰/۰۸۶	پایگاه اقتصادی اجتماعی
۰/۲۴۱	-۰/۰۶۰	۰/۵۸۵	۰/۰۳۷	سرمایه‌ی فرهنگی
۰/۰۰۸	۰/۲۰۱	۰/۰۴۷	۰/۱۷۰	تقدیرگرایی
۰/۰۴۶	۰/۱۴۰	۰/۶۷۲	۰/۰۳۷	پای‌بندی به ارزش‌های خانواده بزرگ
۰/۵۹۵	۰/۰۲۸	۰/۲۴۷	-۰/۰۷۸	نابرابری جنسیتی
۰/۰۹۳	۰/۰۸۷	۰/۸۴۸	۰/۰۱۳	تعارض شغلی - فرزندآوری
	۰/۵۹۶		۰/۳۱۸	ضریب همبستگی R
	۰/۳۵۶		۰/۱۰۱	ضریب R ²
	۰/۳۳۵		۰/۰۶۲	ضریب R ² تعدیل یافته
	۰/۰۰۰		۰/۰۰۷	معنی داری آزمون F

در مجموع، نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد که مقدار ضریب تعیین تعدیل یافته برای شاغلین و غیر شاغلین به ترتیب ۰/۰۶۲ و ۰/۳۳۵ درصد است. همچنین مطابق نتایج تحلیل، به ترتیب ۶۲ و ۳۳/۵ درصد از کل تغییرات ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل و غیر شاغل شهر سمنان وابسته

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد شاغل و غیرشاغل

به متغیرهای مستقل وارد شده در این معادله تبیین می‌شود. ارزیابی اولیه از تفاوت ضرایب تعیین و مقدار واریانس تبیین شده از جانب متغیرهای مستقل در میان دو دسته از زنان شاغل و غیرشاغل این است که زنان شاغل نه تنها همان‌گونه که در جدول شماره ۱ نیز نشان داده شد - در متغیرهای معنادار و تأثیرگذار در معادله - یعنی شاخص‌های نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان و تقدیرگرایی در رفتارهای باروری - نمره‌ی کمتری داشته‌اند، بلکه در مجموع واریانس نمرات آنها کمتر و به عبارتی پراکندگی دیدگاه‌ها و اختلاف نظرات کمتری در این خصوص دارند. در نتیجه، مقدار واریانس تبیین شده توسط متغیرهای مستقل برای این گروه از زنان، بسیار کمتر برآورد شده است.

۷-۵- تحلیل مسیر

به منظور ارزیابی کامل‌تر از روابط مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای مستقل و وابسته‌ی تحقیق از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شد. جدول شماره ۶ اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل در ایده‌آل‌های باروری زنان و شکل‌های ۱ و ۲، دیاگرام ارتباط متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول، در خصوص ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل، دو متغیر تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان رابطه‌ی معنی‌داری را نشان می‌دهند. همان‌گونه که یافته‌های قبلی نیز نشان داد، جهت تأثیرگذاری هر دو متغیر برای این گروه از زنان مطابق انتظار تحقیق است؛ به‌گونه‌ای که زنانی که تقدیرگرایی بیشتری در رفتارهای

باروری داشته‌اند، باروری ایده‌آل بالاتری نیز داشتند و در مقابل، آنهایی که هزینه‌های فرزند را بالاتر ارزیابی کرده، ایده‌آل باروری پایین‌تری را نشان داده‌اند.

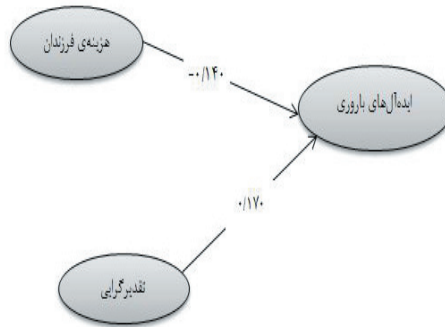
بررسی روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرها در میان زنان غیرشاغل نیز نشان می‌دهد که چهار متغیر، نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان، تقدیرگرایی در رفتار باروری، پای‌بندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ و پایگاه اقتصادی - اجتماعی در مجموع و به ترتیب بیشترین تأثیر را در ایده‌آل‌های باروری دارند. بخشی از تأثیرگذاری این چهار متغیر، تأثیر مستقیم و بخش دیگری از آن تأثیر غیرمستقیم بوده است. بر اساس روابط ترسیم شده در شکل ۲ و ضرایب برآورد شده در جدول شماره ۶، به نظر می‌رسد که برای زنان غیرشاغل، متغیر پای‌بندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ به عنوان یک متغیر واسطی عمل کرده که بخش مهمی از روابط غیرمستقیم سایر متغیرهای مستقل از طریق آن تبیین می‌شود. جهت روابط مشاهده شده همسو با انتظار تئوریک تحقیق است به گونه‌ای که پایگاه اقتصادی - اجتماعی و نگرش به هزینه‌ی فرزندان رابطه‌ی معکوس و تقدیرگرایی رابطه‌ی مستقیمی را با پای‌بندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ نشان می‌دهد.

جدول (۶) اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر ایده‌آل‌های باروری زنان

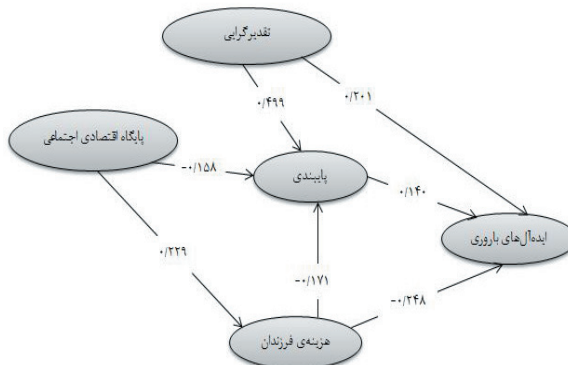
ایده‌آل‌های باروری غیرشاغلین			ایده‌آل‌های باروری شاغلین			
نوع اثر			نوع اثر			
کل	غیرمستقیم	مستقیم	کل	غیرمستقیم	مستقیم	متغیرهای مستقل
-۰/۲۷۱	-۰/۰۲۳	-۰/۲۴۸	-۰/۱۴۰	۰	-۰/۱۴۰	نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان
۰/۲۷۰	۰/۰۶۹	۰/۲۰۱	۰/۱۷۰	۰	۰/۱۷۰	تقدیرگرایی در رفتار باروری
۰/۱۴۰	۰	۰/۱۴۰	—	—	—	پای‌بندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ
-۰/۰۷۸	-۰/۰۷۸	—	—	—	—	پایگاه اقتصادی- اجتماعی

مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم مربوط به هر یک از متغیرهای مستقل مشارکت کننده در مدل تحلیل مسیر زنان غیرشاغل در آخرین ستون جدول شماره‌ی ۶ گزارش شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، متغیرهای نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان با ضریب تأثیر کلی معادل $-۰/۲۷۱$ و تقدیرگرایی در رفتار باروری با ضریب تأثیر کلی معادل $+۰/۲۷۰$ بیشترین نقش را در تعیین ایده‌آل‌های باروری زنان غیرشاغل داشته‌اند. علامت ضرایب مذکور حاکی از آن است که هر چه زنان غیرشاغل هزینه‌های فرزندآوری را بیشتر ارزیابی کنند، باروری ایده‌آل پایین‌تری دارند. برعکس، هر چه تقدیرگرایی نزد آنها بیشتر باشد، باروری ایده‌آل آنها نیز بیشتر خواهد بود.

شکل ۱. مدل تجربی عوامل مؤثر در ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل



شکل ۲. مدل تجربی عوامل مؤثر در ایده‌آل‌های باروری زنان غیر شاغل



بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به زمینه‌های متنوع قومی - فرهنگی در ایران و این واقعیت که گروه‌های قومی مختلف با پیش‌آمدگی‌های متفاوت در معرض تأثیر نیروهای نوسازی و توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی قرار گرفته‌اند، انجام بررسی‌های زمینه‌ای در بسترهای گوناگون اجتماعی - فرهنگی می‌تواند نتایج ارزشمندی برای سیاست‌گذاری‌های جمعیتی در مقیاس ملی و منطقه‌ای داشته باشد.

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُردِ شاغل و غیرشاغل

رفتارهای باروری زنان ضمن آنکه تابع سیاست‌گذاری‌های مستقیم است، از زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی جامعه نیز تأثیر می‌پذیرد. تغییرات باروری در طول سه دهه‌ی گذشته در ایران گواه این ادعاست. با توجه به این تغییرات، به نظر می‌رسد تغییر در ایده‌آل‌ها و تمایلات باروری زنان نیروی مهمی در کاهش باروری کل بوده است. به بیان دیگر، باروری کل زنان انعکاسی از ایده‌آل‌های باروری آنهاست و کاهش هر چه بیشتر در تمایلات و ایده‌آل‌های باروری زنان می‌تواند باروری کل را کاهش دهد.

مطالعه‌ی حاضر بر اساس داده‌های گردآوری شده از طریق یک پیمایش در بین زنان شاغل و غیرشاغل کرد شهر سنندج به مطالعه‌ی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی تعداد فرزندان ایده‌آل آنها پرداخت. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که علی‌رغم تفاوت‌های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی بین زنان شاغل و غیرشاغل کرد شهر سنندج، میانگین شمار فرزندان ایده‌آل آنها در زمان تحقیق تفاوت معنی‌داری با هم ندارد و امروزه درصد بالایی از زنان شاغل (۷۳/۸ درصد) و غیر شاغل (۶۹/۷ درصد) داشتن ۲ فرزند را ایده‌آل می‌دانند. از این رو، بر اساس نتایج این تحقیق، ایده‌آل‌های امروزین فرزندآوری زنان کرد شهر سنندج، مستقل از وضعیت اشتغال آنهاست و به تعبیری روشن‌تر، اشتغال زنان عامل تفاوت در ایده‌آل‌های باروری آنها نیست. نتایج مطالعات قبلی انجام شده در ایران نیز مؤید آن است که در سالیان اخیر تفاوت در رفتارها و ایده‌آل‌های باروری در میان گروه‌های اجتماعی مختلفی که تمایزات بسیاری را در بیشتر مشخصه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی

(نظیر سطح تحصیلات، محل سکونت، وضعیت اشتغال، مذهب، قومیت و ...) داشته‌اند، محو شده و هم‌زمان با کاهش باروری، روند همگرایی را تجربه کرده است (عباسی شوازی، مک‌دونالد و حسینی چاوشی ۲۰۰۹؛ عباسی شوازی و عسکری ندوشن ۱۳۸۴؛ عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۵).

در مجموع، این همگرایی در ایده‌آل‌های باروری زنان حاکی از تحولات عمیق‌تر اجتماعی و فرهنگی است که در خانواده‌ها اتفاق افتاده است. زن و شوهر در دنیای امروز از شرایط جدید جامعه متأثر شده و از الگوهای باروری والدین خود و یا نسل گذشته فاصله گرفته‌اند و تحت تأثیر هنجارهای جدیدی عمل می‌کنند که مستقل از بسیاری از تفاوت‌های اقتصادی-اجتماعی مانند وضعیت اشتغال آنها در این مطالعه است.

آزمون ایده‌آل‌های باروری گرچه تفاوت معناداری را بین زنان کرد شاغل و غیرشاغل شهر سنندج نشان نداد و یافته‌ها دلالت بر همانندی ایده‌آل‌های باروری این دو گروه از زنان داشت، اما تحلیل‌های جداگانه‌ای برای زنان شاغل و غیرشاغل انجام شد تا تفاوت‌های احتمالی در سهم عوامل تعیین‌کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری این دو گروه از زنان، مقایسه شود. نتایج تحلیل‌های دو متغیره نشان داد که متغیرهای گرایش به ترجیح جنسی، نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان، نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت برای افزایش موالید، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، تقدیرگرایی در رفتار باروری، پایبندی به ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ و نابرابری جنسیتی رابطه‌ی معنی‌دار با ایده‌آل‌های باروری زنان دارد. نتایج تحلیل چندمتغیره نیز نشان داد که سهم

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد شاغل و غیرشاغل

متغیرهای بررسی شده در تبیین ایده‌آل‌های باروری زنان غیرشاغل بیشتر از زنان شاغل است (۳۳/۵ درصد در مقابل ۶/۲ درصد). در بین متغیرهایی که تأثیر معناداری در ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل داشته‌اند، تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان در مجموع بیشترین تأثیر را نشان دادند. در میان زنان غیر شاغل چهار متغیر نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان، تقدیرگرایی در رفتار باروری، پای‌بندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ و پایگاه اقتصادی - اجتماعی در مجموع و به ترتیب بیشترین تأثیر را در ایده‌آل‌های باروری زنان دارند.

نتایج مطالعه‌ی حاضر، می‌تواند دلالت‌های ضمنی مشخصی برای سیاست‌گذاری مناسب درباره‌ی باروری داشته باشد. همان طور که که تعدادی از تبیین‌های باروری پایین تأکید دارند، در شرایط باروری زیر حد جانشینی، ایده‌آل‌های فرزندآوری نقش بالقوه‌ی مهمی در تعیین رفتارهای باروری دارند (Van de Kaa, 2001: 220-331; Goldestein, Lutz & Testa, 2003: 479-496; Casterline, 2001; Lesthaeghe & Surkyn, 1998: 1-45). گونه‌ای که در این دسته از تبیین‌ها، توجه عمده متمرکز بر موانعی است که در تحقق ایده‌آل‌های باروری زنان و خانواده‌ها وجود دارد (Bongaarts, 2001: 282-289; Chesnais, 2000: 126-136; Livi Bacci, 2001: 639-682). در نتیجه با رفع این موانع، سطح باروری افزایش خواهد یافت. یافته‌های مطالعه‌ی حاضر نشان داد که از میان متغیرهای بررسی شده، ارزیابی زنان کُرد از هزینه‌های فرزندان مهم‌ترین متغیری است که در ایده‌آل‌های فرزندآوری

آنها تأثیر معکوس دارد و به ایده‌آل‌های پایین‌تر فرزندآوری نزد آنها منجر می‌شود. این متغیر در هر دو گروه از شاغلین و غیرشاغلین نقش تأثیرگذاری نشان داد، اما تأثیر تعیین کننده‌ی آن بین زنان غیرشاغل بیشتر و نزدیک به دو برابر زنان شاغل است (جدول شماره‌ی ۶). بنابراین، به نظر می‌رسد که در شرایط امروز، با توجه به مشکلاتی که ناشی از وضعیت اقتصادی جامعه‌ی فراروی خانواده‌ها وجود دارد، اتخاذ سیاست‌های رفاهی مناسب برای کمک به اقتصاد خانوار می‌تواند نگرانی ناشی از هزینه‌های پرورش فرزند برای والدین را کاهش دهد. بدون تردید، روند تغییرات اجتماعی و فرهنگی سالیان اخیر، که به فرزندان در خانواده جایگاه و نقش محوری داده و در عین حال، سطح مطالبات و توقعات متعدد آنها را از والدین، به طور روزافزون بالا برده است، بار هزینه‌ای سنگینی برای خانواده محسوب می‌شود. به این لحاظ، ضرورت دارد که هم زمان، راه‌کارهای حساب شده‌ای در حوزه‌ی سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی پیگیری شود.

اشاره‌ی مهم دیگر نتایج تحقیق، به تأثیرگذاری قوی‌تر هزینه‌های فرزند در ایده‌آل‌های باروری زنان غیرشاغل در مقایسه با شاغلین بود. این نتیجه، علاوه بر آنکه وضعیت اقتصادی متفاوت بین خانوارهایی که در آن فقط مرد نان‌آور خانه است با خانوارهایی که دو منبع درآمدی (از زن و شوهر) دارند، را منعکس می‌کند؛ لزوم توجه سیاستی ویژه به زنان غیرشاغل را طلب می‌کند. سیاست‌های جمعیتی در جامعه‌ای نظیر ایران در صورتی می‌تواند به نتیجه‌ای موفق و مطلوب دست یابد که با تمرکز ویژه‌ای معطوف به زنان

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد شاغل و غیرشاغل

غیرشاغل و خانه‌دار پیگیری شود. طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، سهم مشارکت زنان در نیروی کار کمتر از ۱۵ درصد در کل کشور است و بیش از ۸۵ درصد از آنها غیرشاغل‌اند. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جمعیتی باید به این امر توجه کنند و در کنار مرخصی‌های زایمان و مزایایی که برای زنان شاغل در نظر گرفته می‌شود، سیاست‌گذاری‌های مناسبی معطوف به این دسته از زنان (غیرشاغلین) در نظر گرفته شود.

پژوهش حاضر، ایده‌آل‌های باروری بین زنان کرد شهر سنندج را مطالعه و تعدادی از عوامل اقتصادی- اجتماعی تعیین کننده‌ی آن را بررسی کرد. اگرچه در طول سالیان اخیر باروری زنان کرد، روند تغییراتی را مشابه با کل کشور و همسو با سایر گروه‌های قومی تجربه کرده است، اما با توجه به مشخصه‌های متفاوت اقتصادی- اجتماعی گروه‌های مختلف قومی در ایران، نتایج به سایر گروه‌های قومی تعمیم‌پذیر نیست و بالطبع علل و عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌ها و رفتارهای باروری در هر گروه قومی می‌تواند متفاوت باشد؛ لذا اتخاذ هرگونه راه‌کار سیاستی درباره‌ی باروری بین گروه‌های قومی دیگر، نیازمند مطالعات جداگانه‌ای است.

منابع

- ◀ حسینی، حاتم. «قومیت و باروری: تبیین رفتارهای باروری زنان کرد و ترک در شهرستان ارومیه»، (رساله‌ی دکتری جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران)، (۱۳۸۷).
- ◀ _____ ۱۳۹۰. جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان، دانشگاه بو علی سینا.
- ◀ حسینی، حاتم و بلال بگی. «استقلال زنان و کنش‌های باروری در میان زنان کرد شهر مهاباد»، زن در توسعه و سیاست، دوره‌ی ۱۰، ش ۳، صص ۷۸-۵۷.
- ◀ رستگار خالد، امیر. «بررسی تعارض نقش‌های شغلی - خانوادگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، دو ماهنامه‌ی علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، سال ۱۱، ش ۴، (۱۳۸۳).
- ◀ روش بلاو، آن ماری و اسپنله. مفهوم نقش در روان‌شناسی اجتماعی، مطالعات تاریخی - انتقادی، ترجمه‌ی ابوالحسن سرو قد مقدم، آستان قدس رضوی. (۱۳۷۲).
- ◀ شارع‌پور، محمود و غلامرضا خوشنفر. «رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان: مطالعه موردی شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، (۱۳۸۱).
- ◀ شیخ بیگلر، رعنا. «شناسایی مناطق محروم ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۲، ش ۷، (۱۳۹۰).
- ◀ شیری، طهمورث و سهیلا بیداریان. «بررسی عوامل اقتصادی جمعیتی مؤثر بر باروری زنان ۴۹-۱۵ ساله‌ی شاغل در آموزش پرورش منطقه‌ی ۲۲ تهران»، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال ۳، ش ۳، (۱۳۸۸).
- ◀ شیری، محمد، طه نور الهی و الهام رستمی. «بررسی عوامل مؤثر بر باروری با تکیه بر رویکرد چند سطحی»، معرفت، ش ۱۸۹، (۱۳۹۲).
- ◀ شهبازین، سعیده، آزاده غلامی و صفیه شهبازین «نقش ترجیح جنسی در رفتار باروری زنان شهرستان کنگاور»، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره بیست و دوم، شماره‌ی ۶، (۱۳۹۳).

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُردِ شاغل و غیرشاغل

◀ عباسی شوازی، محمد جلال، پیتر مک دونالد، میمنت حسینی چاووشی و زینب کاوه فیروز. «بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش‌های کیفی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، (۱۳۸۱).

◀ عباسی شوازی، محمد جلال و حاتم حسینی. «تفاوت‌های قومی باروری در ایران: روندها و عوامل مؤثر بر آن». جامعه‌شناسی ایران، دوره ۸، ش ۴، (۱۳۸۶).

◀ عباسی شوازی محمد جلال و رسول صادقی. «قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۹، (۱۳۸۵).

◀ عباسی شوازی، محمد جلال و عباس عسکری ندوشن. «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی استان یزد»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۵، (۱۳۸۴).

◀ عباسی شوازی، محمد جلال و ملیحه علی ماندگاری. «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آن‌ها در ایران»، پژوهش زنان، دوره ۸، ش ۱، (۱۳۸۹).

◀ نوروزی، لادن. «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی بر میزان باروری زنان در ایران»، برنامه و بودجه، ش ۳۰، (۱۳۷۷).

◀ محمودیان، حسین، احمد محمدپور و مهدی رضایی. «زمینه‌های کم‌فرزندآوری در استان کردستان: مطالعه موردی شهر سقز»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ش ۸، (۱۳۸۸).

◀ ویکس، جان. جمعیت: مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات، ترجمه‌ی الهه میرزایی، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی. (۱۳۸۵)

➤ Abbasi-Shavazi, M.J., P. McDonald, & M. Hosseini-Chavoshi. *The Fertility Transition in Iran; Revolution and Reproduction*, Springer, Dordrecht. (2009).

➤ Abbasi-Shavazi, M.J. & P. McDonald (2005). "National and Provincial-level fertility trend in Iran, 1972-2000", Working Paper in Demography, No 94, Australian National University.

➤ Baschieri, A. "Effects of Modernisation on Desired fertility in Egypt". *Population, Space and Place* 13, (2007).

- Bongaarts, J. "Fertility and reproductive preferences in post-transitional societies". *Population and Development Review*. 27(supplement), (2001).
- Bongaarts, J & S.C. Watkins" .Social Interactions and Contemporary Fertility Transitions". *Population and Development Review* 22(4), (1996).
- Brewster, K.L & R. Rindfuss. "Fertility and Women's Employment in Industrialized Nations". *Annual Review of Sociology* 26 , (2000).
- Bourdieu, P. 1986. "The Forms of Capital," in: J.G.Richardson (ed.) *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. New York: Greenwood Press .
- Chesnais, J.C. "Determinants of below replacement fertility", *Population Bulletin of the United Nations* (40/41), (2000).
- Cleland, J & C.Wilson. "Demand Theories of the Fertility Transition, An Iconoclastic View". *Population Studies* 41, (1987).
- Cramer, J . "Fertility and Female Employment: Problems of Causal Direction". *American Sociological Review* 45, (1980).
- Felmler, D.H . "The Dynamic Interdependence of Women Employment and Fertility". *Social Science Research* 22, (1993).
- Goldstein, J., W. Lutz, , & M.R. Testa, "The emergence of sub-replacement family size ideals in Europe". *Population Research and Policy Review* 22(5-6), (2003).
- Lackland Sam, D, K. Peltzer & B. Mayer. "The Changing Values of Children and Preferences Regarding Family Size in South Africa". *Applied Psychology: An International Review*, 54(3), (2005).

بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده‌ی ایده‌آل‌های باروری زنان کُردِ شاغل و غیرشاغل

- Lesthaeghe, R. & J. Surkyn, "Cultural dynamics and economic theories of fertility change", *Population and Development Review* 14(1), (1988).
- Livi Bacci, M. "Comment: Desired family size and the future course of fertility", *Population and Development Review* 27, (2001).
- Mcquillan, K. "When Dose Religion Influence Fertility?", *Population and Development Review*, 30(1), (2004).
- Michel, J. S, J. K. Michelson, L. M. Kotrba, J. M. Lebreton & B. B. Baltes. "A Comparative Test of Work – Family Conflict Models and Critical Examination of Work – Family Linkages". *Journal of Vocational Bahavior* 74, (2009).
- Casterline, J.B. (ed.) 2001. *Diffusion Processes and Fertility Transition: Selected Perspectives*, Washington, DC: National Academy Press.
- Rindfuss, R.R., K. Benjamin-Guzzo & S. Philip Morgan. "The Changing Institutional Context of Low Fertility". *Population Research and Policy Review* 22, (2003).
- Saskia, H. Anne, G. Joshua, G & Buhler, C. "Fertility preferences: what measuring second choices teaches us". *Vienna Yearbook of Population Research*, (2011).
- Smith–Lovin, L. & A. Tickamyer. "Nonrecursive Models of Labor Force Participation, Fertility Behavior, and Sex Role Attitudes". *American Sociological Review* 43, (1978).
- Van de Kaa, D.J. "Postmodern fertility preferences: From changing value orientation to new behavior", *Population and Development Review* 27, (2001).